سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۲۰۵–۱۷۱

حقوق ذی‌نفعان در عملیات سپرده‌پذیری نظام بانکداری بدون ربا از منظر حاکمیت شرکتی

وهاب قلیچ
استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
vahabghelich@gmail.com

نظام بانکی با گروهی از ذی‌نفعان از جمله سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهام‌داران، کارکنان و مدیران و غیره سروکار دارد. رعایت حقوق ذی‌نفعان بانکی که عموماً در قالب حاکمیت شرکتی در نظام بانکی از آن یاد می‌شود اثرات مثبتی بر اقتصاد برجای می‌گذارد. هدف از این مقاله معرفی و تحلیل «حقوق ذی‌نفعان در عملیات سپرده‌پذیری نظام بانکداری بدون ربا از منظر حاکمیت شرکتی» و ارائه راهکارهایی برای تقویت آن است. نتیجه این پژوهش که با استفاده از روش تحقیق روش تحلیل محتوایی تهیه شده است، نشان می‌دهد که در سپرده‌پذیری حساب‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) و حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، سپرده‌گذاران از حقوقی همچون تعیین و پرداخت به‌موقع و کامل سود قطعی سپرده‌ها، انجام صحیح امور وکالت از سوی بانک، ایفای تعهدات مندرج در متن قرارداد برخوردار هستند. این مقاله ضمن معرفی مجاری تضییع حقوق سپرده‌گذاران و تضعیف اصول حاکمیت شرکتی، پیشنهادهایی همچون تفکیک سپرده‌های بانکی با استفاده از عقد «وکالت خاص»، نظارت بر عملیات بانکی جهت رعایت حقوق سپرده‌گذاران و تخصصی‌سازی شبکه بانکی را برای تقویت حاکمیت شرکتی در عملیات سپرده‌پذیری نظام بانکداری بدون ربا ارائه می‌دهد.

طبقه‌بندی JEL: M41,M10
واژگان کلیدی: حقوق، حاکمیت شرکتی، تجهیز منابع، بانکداری بدون ربا

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

۱. مقدمه

هر بنگاه و نهاد اقتصادی عملیات و فعالیت‌های متنوع و متعددی را از خود بروز می‌دهد که در هر فعالیت، گروهی از ذی‌نفعان دخیل بوده و هر گروه در پی تأمین حداکثری منافع خود هستند. تأمین این منافع در گروی عملکرد سایر افراد مرتبط در مجموعه است. نتیجه رعایت حقوق ذی‌نفعان در فعالیت‌های اقتصادی از یک سو در ارتقای سلامت، اعتبار و شهرت، گسترش جامعه مشتریان و افزایش سودآوری آن بنگاه و یا نهاد اقتصادی (در نگاه خرد) و از سوی دیگر در افزایش ثبات و کارآمدی بهتر کلیت نظام اقتصادی (در نگاه کلان) بروز می‌کند.

یکی از نهادهای اقتصادی که در عملیات خود با ذی‌نفعان زیادی سروکار دارد، بانک است. رعایت حقوق جامعه ذی‌نفعان در کلیه عملیات بانکی می‌تواند به حسن شهرت بانک و افزایش اعتبار و درآمدزایی آن و همچنین بهبود کارآمدی نظام پولی و مالی در اقتصاد کلان بیانجامد. این مقوله در نظام بانکی، که عموماً در قالبی تحت عنوان «حاکمیت شرکتی در نظام بانکی» از آن یاد می‌شود، به رعایت اخلاق و احترام‌گذاری به حقوق متقابل در روابط بانک با جامعه ذی‌نفعان از جمله سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهام‌داران، کارکنان و مدیران و غیره مرتبط است (سانگ و لووم[1]، ۲۰۰۶). بدیهی است روش‌ها و ضوابط حاکمیت شرکتی از کشوری به کشور دیگر و از نظام مالی به نظام مالی دیگر بنا به تفاوت فرهنگ جوامع و ساختارهای اقتصادی نظام‌های مالی با یکدیگر متفاوت است (گریفین[2]، ۲۰۱۳).

بنابراین حاکمیت شرکتی و شیوه‌های رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری متداول، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد که ضرورت انجام این پژوهش را نشان می‌دهد. سؤال اصلی این پژوهش که به روش مطالعه تحلیلی- نظری تهیه شده، آن است که چالش‌های پیش‌روی اجرای حاکمیت شرکتی در بخش عملیات سپرده‌پذیری بانکداری بدون ربا چیست و چه راهکارهایی برای رفع آن وجود دارد. ترتیب بخش‌های مقاله بدین صورت است که

1. Sang & Lum
2. Griffin

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

در ادامه پس از بیان مبانی نظری و پیشینه تحقیق به ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و بانکداری بدون ربا پرداخته می‌شود؛ سپس سعی می‌شود با روش تحقیق کتابخانه‌ای آسیب‌شناسی از بخش سپرده‌پذیری شبکه بانکداری ایران از جنبه حاکمیت شرکتی با تمرکز بر گروه سپرده‌گذاران بانکی صورت پذیرد و در ادامه راهکارهایی برای تخفیف چالش‌های بیان شده ارائه شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حاکمیت شرکتی اصطلاحی است که از عمر آن بیش از سه دهه می‌گذرد که اولین نشانه‌های آن در کشورهای آمریکا، کانادا و انگلستان بروز کرده است. گرچه برای این اصطلاح تاکنون تعریف واحدی ارائه نشده است، اما بین تعاریف ارائه شده، بسته به کشوری که این مقوله در آن بررسی می‌شود، تفاوت قابل توجهی وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهد اولین و قدیمی‌ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین Gubernare به معنای هدایت کردن گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می‌رود و دلالت بر این دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل (سولومون[1]، ۲۰۱۰: ۱).

زینگالز[2] حاکمیت شرکتی را مجموعه‌ای پیچیده از مواردی می‌داند که امکان چانه‌زنی را بر روی منافع برای ذی‌نفعان به وجود می‌آورد (زینگالز، ۱۹۹۷: ۴). لاپورتا[3] و همکاران حاکمیت شرکتی را تا حد زیادی مجموعه سازوکارهایی می‌دانند که سرمایه‌گذاران بیرونی از طریق آن مالکیت خود را از گزند سرمایه‌گذاران داخلی محفوظ می‌دارند (لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۹: ۷). حاکمیت شرکتی به ساختار و وظایف یک شرکت در رابطه با ذی نفعان به طور عام و در رابطه با سهام‌داران به طور خاص اشاره دارد (بنکس[4]، ۲۰۰۴: ۱۱). در تعریف دیگر، حاکمیت شرکتی

1. Solomon
2. Zingales
3. La Porta
4. Banks

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

عامل حفظ و ارتقای سود سهام داران از طریق اعمال رهبری هدفمند و انتصاب یک مدیریت با صلاحیت و توانا و نظارت بر آن توصیف شده است (والکر ریویو[1]، ۲۰۰۹: ۱۹).

از این رو شاید بتوان اذعان داشت که حاکمیت شرکتی شالوده روابط شرکت با گروه‌های ذی‌نفع است و حاکمیت شرکتی در سطح خرد، دستیابی به اهداف شرکت و در سطح کلان، تخصیص بهینه منابع جامعه را در نظر دارد. پیشینه تاریخی این موضوع به‌گونه‌ای که امروزه مطرح است، به دهه ۱۹۹۰ و وقوع رسوایی‌های مالی در برخی شرکت‌های بزرگ برمی‌گردد. علی‌رغم وجود برخی تفاوت‌ها، به نظر می‌رسد مبانی نظری حاکمیت شرکتی در کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه در طول زمان مسیر همگرایی را پیموده است و برای تدوین یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب نیاز است به عوامل داخلی و بیرونی و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور توجه شود (بدری، ۱۳۸۷).

در قالب نظریه نمایندگی[2] به عنوان یکی از دیدگاه‌های سنتی، حاکمیت شرکتی صرفاً به رابطه شرکت و سهام‌داران محدود می‌شود؛ اما این مفهوم در قالب نظریه ذی‌نفعان[3] از صرف رابطه مابین شرکت و سهام‌داران شرکت فراتر رفته و در شبکه‌ای از روابط تعریف می‌شود. در این قالب، حاکمیت شرکتی نه تنها روابط میان شرکت و مالکان آن‌ها (سهام‌داران) بلکه روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... را شامل می‌شود (سولومون، ۲۰۱۰: ۱).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[4] حاکمیت شرکتی را مجموعه روابطی مابین هیئت مدیره، سهام‌داران و دیگر ذی‌نفعان یک شرکت می‌داند که با تعیین ساختار، اهداف، ابزارهای دستیابی به این اهداف و نیز نظارت بر فعالیت‌ها، مشوقی برای هیئت مدیره و مدیران در پیگیری مسائلی است که منافع شرکت و سهام‌داران در آن قرار دارد و نیز تشویقی است برای آنکه از منابع به شیوه

1. Walker Review
2. Agency Theory
3. Stakeholder Theory
4. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

کاراتری استفاده کنند. این سازمان، اصولی را برای حاکمیت شرکتی ارائه کرد که در بسیاری از کشورها و شرکت‌های بزرگ استفاده شده است. اصول مذکور عبارت‌اند از (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۴: ۲۵-۱۷):

۱. تأمین مبنایی برای چارچوب حاکمیت شرکتی مؤثر: چارچوب حاکمیت شرکتی باید توسعه بازارهای شفاف و کارآمد را تسهیل کرده، با حاکمیت قانون سازگار باشد و تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها را بین مقامات مسئول نظارتی، تنظیمی و اجرایی به روشنی تشریح کند.

۲. توجه به حقوق سهام‌داران: چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی از حقوق سهام‌داران حفاظت و مسیر تحقق آن را تسهیل کند.

۳. برخورد یکسان با سهام‌داران: در چارچوب سیستم حاکمیت شرکتی، حقوق کلیه سهام‌داران اعم از اقلیت و اکثریت، داخلی و خارجی یکسان بوده و ضرورت دارد که فرصت‌های برابری برای تأمین حقوق و جبران خطاهایشان پیش‌بینی و برقرار شود.

۴. توجه به نقش کلیه ذی‌نفعان: چارچوب حاکمیت شرکتی بر این موضوع تأکید دارد که حقوق ذی‌نفعانی که بر اساس قوانین یا مبانی دیگر برقرار شده است به رسمیت شناخته شده و در جهت تقویت افزایش ثروت و ثبات شرکت‌ها تلاش کند.

۵. افشا و شفافیت: چارچوب این سیستم تأکید دارد که شرکت‌ها باید اطلاعات مناسب خود را دقیق و به موقع در رابطه با تمام موضوعات مرتبط از جمله عملکرد کلی شرکت، وضعیت مالی، ساختار مالکیت و حاکمیت و نقش و وظیفه مدیران را افشا و تشریح کنند.

۶. مسئولیت‌های هیئت مدیره: در سیستم حاکمیت شرکتی ضرورت دارد برنامه ها و رهنمودهای استراتژیک جهت نظارت مؤثر هیئت مدیره بر مدیران و نحوه پاسخگویی هیئت مدیره به شرکت و سهام‌داران مشخص شود.

به طور کلی می‌توان بیان داشت که حاکمیت شرکتی سازوکاری است که تلاش دارد از حقوق و منافع «ذی نفعان» دفاع کرده و امکان تضییع حقوق آنان را به حداقل ممکن برساند. تأکید حاکمیت شرکتی بر موضوعاتی از قبیل رعایت قوانین و مقررات و ضوابط اخلاقی، شفافیت در

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

گزارشگری مالی، تصمیم‌سازی مؤثر به منظور دستیابی به اهداف و امثال آن است؛ تا بدین ترتیب، همسوسازی منافع و حفاظت از حقوق کلیه ذی‌نفعان، ایجاد شفافیت در عملکرد مدیران، افشای مناسب و کامل اطلاعات مرتبط، پاسخگویی مدیران، به‌کارگیری ارزش‌های اخلاقی و به حداقل رساندن تضاد منافع ذی‌نفعان امکان‌پذیر شود (قلیچ، ۱۳۹۵: ۸۹-۹۰).

با نگاه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش حاکمیت شرکتی درمی‌یابیم که از جمله حوزه‌های مهم این دسته، حوزه بانکداری است. نظر به تنوع ذی‌نفعان در این حوزه (سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهام‌داران، کارکنان و مدیران و غیره) و حساسیت فعالیت‌های پولی و بانکی، می‌توان ادعا داشت که نظام بانکی حداقل به اندازه و یا حتی بیشتر از سایر نهادها و مؤسسات و شرکت‌ها نیازمند رعایت اصول حاکمیت شرکتی است.

پس از وقوع بحران ۱۹۹۷ در شرق آسیا توجه‌ها به اهمیت حاکمیت شرکتی در نظام بانکی معطوف شد. به نحوی که بانک‌های سراسر جهان به‌تدریج برای استقرار حاکمیت شرکتی در مجموعه خود دست به کار شدند. در این راستا کمیته نظارتی بال اولین نسخه دستورالعمل ارتقای حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی را در سال ۱۹۹۹ تدوین کرد که این نسخه، پایه و اساس اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۰۴ شد (روشندل، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، تجربه جهانی نشان داده است که رعایت اصول حاکمیت شرکتی در نظام‌های بانکی کشورهای مختلف، اثرات مثبتی را بر عملکرد بانک‌های مورد بررسی برجای گذاشته است. به عنوان نمونه رعایت ضوابط حاکمیت شرکتی در حفاظت از حقوق ذی‌نفعان به بهبود چشمگیر وضعیت در بانک‌های کشورهایی همچون اندونزی، کره جنوبی، تایلند و مالزی که بیشترین صدمه را در بحران سال ۱۹۹۷ متحمل شدند، منجر شده و به نوعی احیاگر این کشورها به حساب می‌آید

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

(سانگ و لووم[1]، ۲۰۰۶). از این رو مشخص می‌شود که توجه به حفظ حقوق ذی‌نفعان، بخشی مهم از حاکمیت شرکتی بوده و قابلیت اثرگذاری بر وضعیت بانکداری را دارا است.

آندرس و وال لادو[2] (۲۰۰۸) نقش مهم هیئت رئیسه در بهبود عملکرد یک بانک را برجسته کرده و نتیجه گرفته‌اند که بین عملکرد سیستم بانکی و قدرت هیئت رئیسه و بین مدیران اجرایی و عملکرد بانکی، یک رابطه U شکل وجود دارد. همچنین ایشان به این نکته پی برده‌اند که هرچه استقلال هیئت رئیسه بیشتر باشد، کارایی آن‌ها در مدیریت و کنترل مدیران بالاتر خواهد بود و باعث ایجاد سودآوری بیشتر در بانک می‌شود.

ارمینا و ماریا[3] (۲۰۱۰) با بررسی کارکرد حاکمیت شرکتی در نظام بانکی بدین نتیجه رسیدند که هرچه سهام بیشتری از بانک را کارکنان داخلی بانک و هیئت مدیره و سهام‌داران بزرگ نگهداری کنند، عملکرد آن بانک بهتر خواهد بود. المناصیر[4] و همکاران (۲۰۱۲) با تحلیل اثر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های کشور اردن بدین نتیجه دست یافتند که بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد سیستم بانکی در این کشور رابطه مثبتی وجود دارد.

تقوی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی اثرگذاری اصول حاکمیت شرکتی بر ثبات نظام بانکی در کشورهای درحال‌توسعه با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش که در آن ساختار مالکیت بانک‌ها به عنوان متغیر مستقل از جنبه مالکیت دولتی، خصوصی و نیز خارجی بررسی شده است، نشان می‌دهد مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگتری بر افزایش مطالبات معوق نسبت به مالکیت خصوصی دارد؛ در حالی که مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر سودآوری بانک بهتر عمل می‌کند.

امین‌آزاد (۱۳۹۳) با ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، دشواری‌های مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی را ناشی از لزوم حفظ منافع سپرده‌گذاران، حفظ اعتماد و اطمینان به بانک‌ها

1. Sang & Lum
2. Andres & Vallelado
3. Ermina & Maria
4. Al Manaseer

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

و از طرف دیگر پیچیدگی روزافزون عملیات بانکی و حساسیت آن‌ها به بحران‌های نقدینگی می‌داند. ایشان با تبیین نقش ناظران بانکی به عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی حاکمیت شرکتی بانک‌ها، به تشریح انواع ارزیابی‌های آنان در مراحل مختلف اعمال حاکمیت شرکتی می‌پردازد.

قلیچ (۱۳۹۵) با بیان این نکته که گسترده شدن حجم فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی، افزایش تعداد ذی‌نفعان و همچنین گستردگی میزان اطلاعات نامتقارن، نشانگر لزوم برقراری حاکمیت شرکتی در نظام بانکی عصر حاضر است، وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری را در قبال سازوکاری که از کلیه حقوق ذی‌نفعان این حوزه دفاع کنند بسیار سنگین ارزیابی می‌کند. این پژوهش با معرفی قابلیت‌های بالای بانکداری اسلامی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی، بیان می‌دارد که بانکداری اسلامی با داشتن محرک‌هایی همچون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری اسلامی، الزام افراد به رعایت اخلاق اسلامی و شرایط اخلاق مدارانه محیط اجتماعی- سیاسی جامعه اسلامی می‌تواند بستر مناسبی برای تحقق حاکمیت شرکتی در نظام بانکی فراهم سازد. همچنین نظارت، مدیریت ریسک و اعمال شفافیت از جمله ابزارهای نظام بانکداری اسلامی در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی است که نقش‌ها و مسئولیت‌هایی خاصی را برای بازیگران اصلی این حاکمیت از جمله هیئت مدیره، مدیریت ارشد، سهام‌داران و سپرده‌گذاران به وجود آورده تا بتوانند به تحقق هرچه بهتر این امر مهم در بدنه نظام بانکی یاری رسانند.

فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) مهم‌ترین علل فروپاشی برخی از شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ را ناشی از ضعف سیستم‌های حاکمیت شرکتی در این‌گونه سازمان‌ها می‌دانند. ایشان با بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های سودآوری نظام بانکی و مقایسه تطبیقی بین کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته نتیجه می‌گیرند که حاکمیت شرکتی اثرات معناداری بر روی سودآوری بانک‌های منتخب داشته است.

محرابی (۱۳۹۸) ایجاد چارچوب حاکمیت شرکتی اسلامی و بهبود آن در بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی یک اصل ضروری برای اطمینان از تداوم موفقیت و رشد آن‌ها است که در فضای رقابتی موجود اهمیت چشمگیری دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کنترل و نظارت شرعی،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

حسابرسی شرعی و مقررات داخلی بانک های اسلامی از فاکتورهای مهم ساختار حاکمیت شرعی در بانک‌های اسلامی به شمار می‌رود.

دریائی و همکاران (۱۳۹۹) حاکمیت شرکتی بهتر را با کاهش هزینه‌های نمایندگی که منجر به کاهش ریسک نامطلوب سود و بهبود عملکرد شرکت می‌شود، مرتبط می‌دانند. نتیجه پژوهش ایشان بیانگر آن است که حاکمیت شرکتی خوب به علت اخذ تصمیم‌گیری‌های شفاف، با بدیل‌های سهام‌داران نهادی و مدیران غیرمؤظف، منجر به کاهش ریسک نامطلوب سود می‌شود.

با مروری بر پیشینه پژوهش در مقوله نقش‌آفرینی حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری ملاحظه می‌شود که محققین نگاه کمتری به حوزه بانکداری بدون ربا با تمرکز بر آنچه مد نظر این مقاله، یعنی جنبه سپرده‌پذیری و رعایت حقوق سپرده‌گذاران از نگاه حاکمیت شرکتی است، داشته‌اند. از این حیث این نوشتار می‌تواند نسبت به مطالعات پیشین دارای وجه تمایز باشد.

۳. ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی

با نگاهی به شرایط نظام بانکی در عصر حاضر درمی‌یابیم که گسترش برخی از عوامل و دلایل، برقراری حاکمیت شرکتی را به امری ضروری‌تر از قبل بدل کرده است. از جمله این موارد می‌توان به گسترده شدن حجم فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی در ابعاد مختلف، افزایش تعداد ذی‌نفعان و همچنین گسترش نامتقارنی اطلاعات اشاره داشت. توضیح بیشتر آنکه، امروزه ازدیاد حجم فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی با روی کار آمدن ابزارهای مالی جدید، گستردگی ارتباطات و دسترسی به بازارهای جهانی، افزایش میزان سرمایه های انباشت شده قابل توجه بوده و همین امر بر پیچیدگی فعالیت‌ها افزوده و امکان تخلف و تعدی از مسیر اهداف مؤسسات را افزایش می‌دهد. همچنین، افزایش تعداد ذی‌نفعان بانکی امکان این نوع تعدی‌ها را بیش از پیش محتمل می‌گرداند. با گسترش تعداد ذی‌نفعان در یک بانک و به تبع آن افزایش روابط بین افراد به شکل شبکه تارعنکبوتی، مسلماً تأمین منافع کلیه ذی نفعان دشوارتر می شود. از آنجا که نظام بانکی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

اثرگذاری فراوانی در تمامی بخش های اقتصادی دارد، وجود تعداد زیادی از ذی نفعان در این نظام دور از انتظار نخواهد بود. طبق تعریف کمیته بال در نظارت بانکداری[1] عنوان ذی نفعان بانکی شامل کارمندان، مشتریان، عرضه کنندگان وجوه و افراد جامعه می شود. همچنین به دلیل نقش ویژه‌ای که بانک‌ها در اقتصاد و نظام‌های مالی بر عهده دارند، ناظران و خود دولت‌ها نیز علاوه بر موارد فوق، جزو ذی‌نفعان در نظام بانکی محسوب می‌شوند (کمیته بال در نظارت بانکداری، ۱۹۹۹: ۹).

با توجه به گستردگی مسائل فوق، حاکمیت شرکتی ضعیف یک بانک ممکن است به تضییع حقوق ذی‌نفعان و از دست رفتن اعتماد عمومی نسبت به آن بانک منجر شده و آن بانک را با حجم مطالبات وصول نشده و بدهی های پرداخت نشده‌ای که منجر به ایجاد یک فضای نااطمینانی برای مشتریان و سهام‌داران آن بانک و یا حتی بانک‌های دیگر می‌شود، مواجه کند. ایجاد فضای نااطمینانی نسبت به آینده در اثر عدم پرداخت بدهی‌ها توسط وام‌گیرندگان، که گاهی با ترویج یافتن شایعات به یک حرکت عظیم دسته جمعی منتهی می شود، قادر است وضعیت را به صورتی رقم بزند که بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری، خود را مواجه با خیل انبوه بدهی های نکول شده ببینند و این خود می‌تواند شروعی بر یک بحران بزرگ باشد (ندری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵).

افزون بر این ضعف حاکمیت شرکتی یک بانک می‌تواند در اثر اصل مکمل بودن استراتژیک[2] به ورشکستگی بانک منجر شود. طبق این اصل، اگر در یک بانک، فرد سپرده گذار پیش‌بینی کند که دیگر سپرده‌گذاران قصد بازپس‌گیری سپرده‌های خود را دارند و بدهکاران نیز قصد بازپرداخت بدهی های خود را به بانک ندارند، احتمال ورشکستگی آن بانک در نظر این فرد بالا رفته و همین امر ایجاد انگیزه‌ای قوی جهت بازپس‌گیری سپرده از آن بانک را برای وی فراهم می‌آورد. فراگیر شدن این اقدام در بین تعداد زیادی از سپرده‌گذاران، می‌تواند بانک‌ها را وارد مرحله خطرناکی کند و آن اینکه گسترش بیشتر نااطمینانی‌ها منجر به افزایش انگیزه افراد برای

1. Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)
2. Strategic Complementarities Principle

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

خارج کردن سپرده‌هایشان از بانک شده و همین حرکت خود دوباره باعث تشدید و وخامت بیشتر فضای نااطمینانی شود (قلیچ، ۱۳۹۵: ۹۲).

افزون بر اصل فوق، اصل سرایت[1] نیز می‌تواند به تعمیم یافتن این مشکل به کل اقتصاد منجر شود. شرایط نااطمینانی و خروج سرمایه‌ها از یک بانک به مرور زمان می‌تواند به بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دیگر و حتی برخی از بخش‌های فعال اقتصادی و بازار سرایت کرده و آنان را نیز با پدیده عدم اطمینان مشتریان روبه‌رو سازد و در کل اقتصاد را با یک بحران جدید مواجه کند.

بنابراین مشاهده می‌شود که وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری در قبال ترتیب سازوکاری که از کلیه حقوق ذی نفعان دفاع کند بسیار سنگین است. حاکمیت شرکتی با برقراری طیف گسترده‌ای از قوانین، استانداردها و قیود سعی می‌کند مجاری تضییع حقوق را بسته و با هدایت و کنترل عملکردهای بانکی، تأمین منافع کلیه ذی‌نفعان را تضمین کرده و نوعی فضای اطمینان خاطر را برای همگان فراهم آورد (ندری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۲).

هدف غایی از استقرار نظام حاکمیت شرکتی، دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان است (مشایخی، ۱۳۸۷: ۳۳). از این جهت یکی دیگر از مواردی که لزوم برقراری حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری امروزی را به ما نشان می‌دهد، گسترش حجم اطلاعات نامتقارن بین طرف‌هایی است که در فعالیت‌های بانکی دور هم جمع شده‌اند. شاید بتوان این مورد را یکی از مهم ترین عللی دانست که لزوم حاکمیت شرکتی را برای ما قابل توجیه می‌کند. وجود اطلاعات نامتقارن ذی‌نفعان در شرایطی که منافع عده‌ای متعارض با منافع دیگری است و به عبارتی افزایش منفعت گروهی تنها در صورت پایمال شدن حقوق گروه دیگر به وجود می‌آید، باعث ایجاد زمینه‌هایی می‌شود که در آن تخطی و تعدی از وظایف و سوءاستفاده از فرصت‌ها و تضییع حقوق یکدیگر بیشتر امکان تحقق می‌یابد. وجود اطلاعات نامتقارن در یک

1. Contagion Principle

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

فعالیت بانکی بین بانک و گروه مشتریان می‌تواند منجر به آن شود که طرف عامل توسط روش‌های مستقیم یا غیرمستقیم دست به رفتاری زند که درنهایت منجر به تضییع حق طرف دیگر شود. اختلاس و کلاهبرداری از جمله روش‌های مستقیم و در نظرگیری منافع و مزایای قابل توجه برای خود در حساب‌های مالی پروژه و یا استفاده از منابع در خارج از پروژه مد نظر قرارداد بدون اطلاع طرف مقابل، از جمله روش‌های غیرمستقیمی است که می‌تواند به تضییع منافع ذی‌نفعان منجر شود (چپرا و حبیب[1]، ۲۰۰۲: ۲۲ و قلیچ، ۱۳۹۵: ۹۳).

به اعتقاد بوشمن و اسمیت[2] (۲۰۰۳) در وضعیت وجود اطلاعات نامتقارن، افشا و شفافیت بیشتر منجر به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت‌تر از سمت سرمایه‌گذاران، دسترسی بهتر به سرمایه‌های جدید، کاهش هزینه‌های تأمین مالی و مدیریت مؤثرتر و درنهایت افزایش ارزش سهام و نفع سهام‌داران خواهد شد.

٤. حاکمیت شرکتی در بانکداری بدون ربا

سازمان‌ها و نهادهای اسلامی نیز به نحو اختصاصی نیازمند رعایت اصول حاکمیت شرکتی هستند. مالزی اولین کشور اسلامی بود که حاکمیت شرکتی اسلامی خود را به صورت یک مجموعه قوانین مؤثر تدوین و اجرا کرده است. تاریخچه این اقدام به سال ۱۹۹۸ برمی‌گردد. در این سال با مطرح شدن مشکلات ناشی از فقدان حاکمیت شرکتی اسلامی در یکی از شرکت‌های مالزی، بررسی و تطابق اصول حاکمیت شرکتی با قوانین اسلامی در این کشور شروع شد که درنهایت منجر به انتشار این اصول در سال ۲۰۰۰ شد (مسعودل و محمد[3]، ۲۰۰۶). این اصول دوباره در سال‌های بعد اصلاح و بازبینی شده است.

از سوی دیگر، رعایت ضوابط حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری بدون ربا نیز همپای سایر سازمان‌ها و نهادهای اسلامی مورد طرح و بررسی قرار گرفته است. بانکداری بدون ربا از آن حیث

1. Chapra & Habib
2. Bushman & Smith
3. Masudul & Mohammad

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

که از لحاظ کارکردی، سازوکاری و سازمانی شباهت‌هایی به بانکداری متعارف دارد، در مقوله پیاده‌سازی ضوابط حاکمیت شرکتی نیز دارای شباهت‌هایی به نظام متعارف هستند؛ اما وجود تفاوت هایی در بخش تجهیز و تخصیص منابع بانکی موجب شده است که اسلوب متفاوتی از حاکمیت شرکتی برای بانک‌های بدون ربا قابل طرح‌ریزی باشد[۱].

از جمله تفاوت‌های نظام بانکداری بدون ربا با نظام بانکداری متعارف که مد نظر این نوشتار قرار دارد، در بخش تجهیز منابع است. در نظام بانکداری متعارف سپرده‌گذاران با سپردن وجوه خود به بانک‌ها در قالبی شبیه به عقد قرض، در سررسیدهای مقرر به بانک مراجعه کرده و بهره وجوه خود را دریافت می‌کنند. اگرچه نگرانی سپرده‌گذاران در بانکداری متعارف مبنی بر ورشکستگی بانک ها و عدم امکان آنان برای بازپرداخت وجوه به قوت خود باقی است، اما در این نظام سپرده‌گذاران می‌توانند با تعبیه بازوهای حمایتی مانند بیمه این عدم اطمینان را تا حدی کاهش دهند.

این در حالی است که با نگاهی از نوع اجرای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری بدون ربا، نیاز به تأمین سازوکاری برای کاهش هزینه‌های احتمالی سوءاستفاده از اطلاعات نامتقارن در این نوع بانکداری مورد توجه است؛ چراکه یکی از مهم‌ترین مجاری بانکداری بدون ربا در تجهیز منابع استفاده از عقود اسلامی همانند وکالت است. در این نوع عقود، سپرده‌گذاران به نوعی مشارکت در سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که بانک‌ها به طور چشمگیری اطلاعات بیشتری در مورد آن سرمایه‌گذاری‌ها دارند و یا در زمینه اعطای وکالت به بانک در به‌کارگیری منابع تجهیز شده، به طور مشخصی اختیار عمل در نزد بانک به عنوان وکیل و امین سپرده‌گذاران نهاده می‌شود.

۱. شایان ذکر است رعایت حقوق سایر ذی‌نفعان بانکی اعم از تسهیلات‌گیرندگان، دریافت‌کنندگان خدمات بانکی، کارکنان، مدیران، سهام‌داران و غیره، رعایت موازین شرعی در قراردادها، مباحث خدمات بانکی، حسابداری، نظارت شرعی و مواردی از این دست نیز در دایره تفاوت‌های اجرایی‌سازی حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری متعارف قابل طرح است؛ اما با توجه به رسالت این نوشتار از پرداخت به سایر جنبه‌های حاکمیت شرکتی در بانکداری بدون ربا صرف‌نظر شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

۵. تبیین موضوع پژوهش

ملاحظه می‌شود بنا به ادبیات موجود درهم‌تنیدگی زیادی بین قواعد حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان وجود دارد. همان‌طور که اشاره شد مقوله حاکمیت شرکتی در قالب نظریه ذی‌نفعان از صرف رابطه مابین شرکت و سهام‌داران شرکت فراتر رفته و در شبکه‌ای از روابط تعریف می‌شود. در این قالب، حاکمیت شرکتی نه‌تنها روابط میان شرکت و مالکان آن‌ها (سهام‌داران) بلکه روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... را شامل می‌شود (سولومون، ۲۰۱۰: ۵).

از این رو آن‌گونه که شکل (۱) نمایش می‌دهد، برای تحقق حاکمیت شرکتی در سازمانی همچون بانک نیاز است به رعایت حقوق ذی‌نفعانی همچون سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهام‌داران، کارکنان و مدیران و سایر افراد توجه شود. همچنین با توجه به زمینه کاری بانک، پیاده‌سازی قواعد حاکمیت شرکتی در رعایت حقوق ذی‌نفعان در سه زمینه کلی تجهیز منابع، تخصیص منابع و ارائه خدمکات بانکی قابلیت تحلیل و بررسی دارد.

از آنجا که پرداخت به تمام جنبه‌های حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با توجه به دایره گسترده ذی‌نفعان این نظام و شاخه‌های متنوع فعالیت بانکداری، خارج از توان و ظرفیت محدود این پژوهش است، در ادامه تمرکز مقاله در شناسایی و آسیب‌شناسی حاکمیت شرکتی در عملیات بانکی بدون ربا صرفاً به مقوله «سازوکار سپرده‌پذیری (تجهیز منابع)» و در بخش ذی‌نفعان، صرفاً به رابطه «بانک با سپرده‌گذاران» منحصر می‌شود (این بخش‌ها در شکل (۱) به رنگ تیره‌تر مشخص شده است). بدیهی است بهبود وضعیت حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور، به حوزه‌هایی فراتر از «سپرده‌پذیری» و همچنین به ذی‌نفعانی فراتر از «سپرده‌گذاران» مرتبط است که بنا به محدودیت‌های موجود، در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

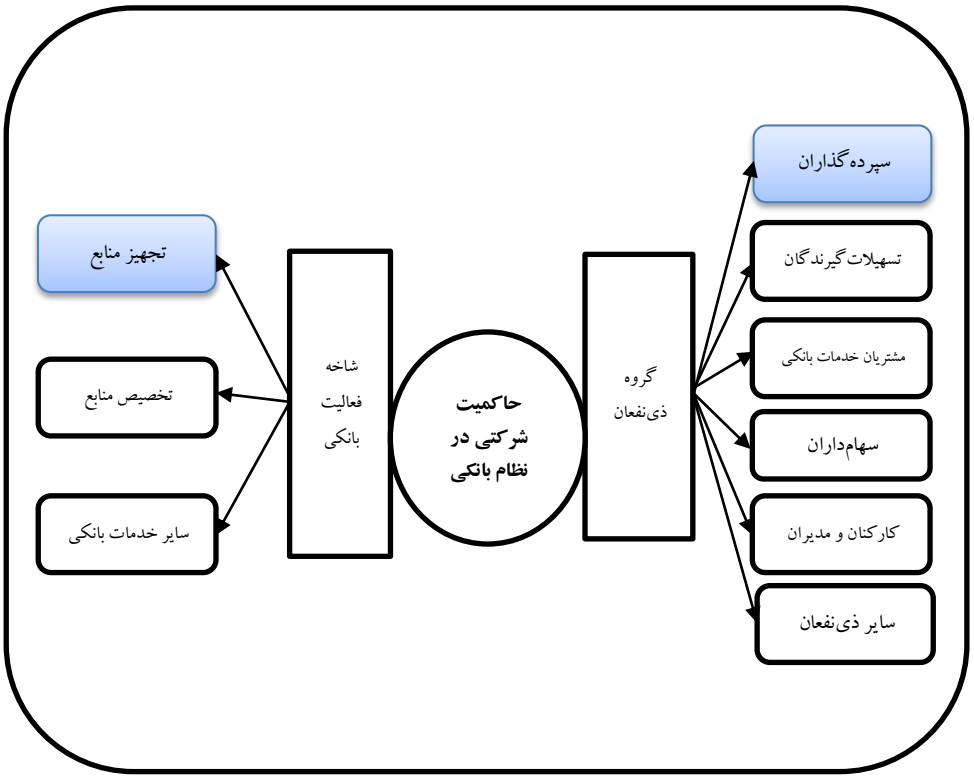

شکل ۱. حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و منطقه مورد مطالعه در نوشتار حاضر (مأخذ: سانگ و لووم، ۲۰۰۶)

٦. سازوکار سپرده‌گذاری در نظام بانکداری ایران

واسطه‌گری وجوه از جمله مهم‌ترین وظایف و کارکردهای بانکداری است. این واسطه‌گری بدین معناست که بانک با استفاده از امکانات و نیروهایی که دارد بر اساس ضوابطی مشخص، منابع صاحبان وجوه مازاد را دریافت و به متقاضیان وجوه پرداخت کند. سپرده هایی که از سمت سپرده‌گذاران جذب می‌شود به همراه سرمایه اولیه خود بانک، امکان تسهیلات‌دهی و یا سرمایه‌گذاری را برای بانک فراهم می‌سازد. بدیهی است هرچه بانک در بخش تجهیز منابع پرقدرت‌تر و موفق‌تر باشد، امکان تخصیص منابع بهتر و بیشتر برای او فراهم‌تر خواهد بود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

در نظام بانکداری متعارف، عموم مسیرهای تجهیز منابع از قرارداد قرض می گذرد؛ در حالی که در بانکداری بدون ربا عقد وکالت در کنار عقد قرض مورد استفاده قرار می گیرد. به موجب ماده سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، دو نوع منبع برای تجهیز منابع بانک‌های بدون ربا در نظر گرفته شده است: الف) سپرده قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز؛ ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. در ادامه این دو دسته سپرده معرفی می‌شود:

٦-١. سپرده‌های قرض‌الحسنه

٦-١-١. سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری

حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا ایران تحت عنوان عقد قرض‌الحسنه تعریف شده است. اشخاص حقیقی و حقوقی با افتتاح حساب از طریق دسته چکی که از بانک دریافت می‌کنند از موجودی حساب خود به هر اندازه و صورتی که مایل باشند، طبق مقررات بانک استفاده می‌کنند. به موجودی این‌گونه حساب‌ها سودی تعلق نمی‌گیرد.

از منظر انطباق با شریعت، وجوه فراهم شده از ناحیه این حساب‌ها مطابق ماهیت عقد قرض، به ملکیت بانک درآمده و جزو منابع بانک است. بانک ها می‌توانند با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی، باقی‌مانده وجوه را از طریق عقود مختلف مبادله‌ای، مشارکتی و قرض‌الحسنه به‌کار گیرند.

٦-١-٢. سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز

حساب پس‌انداز نیز تحت عنوان عقد قرض‌الحسنه تعریف شده است و همانند حساب پس‌انداز در بانکداری متعارف است، با این تفاوت که در این نوع از حساب‌ها سودی به سپرده‌گذار پرداخت نمی‌شود. در اینجا هم وجوه جمع‌آوری‌شده به مالکیت بانک درآمده و بانک‌ها پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای قرض‌الحسنه اختصاص داده و بخش دیگر را از طریق عقود مندرج در ماده سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا به کار گرفته و کسب سود می‌کنند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

در حال حاضر بخش عمده وجوه جمع‌آوری شده از این حساب‌ها به ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان اختصاص می‌یابد.

٦-۲. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

بنا به قوانین بانکداری کشور در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رابطه بانک و صاحب سپرده رابطه «وکالت» است. بانک‌ها وجوه این حساب را به وکالت از صاحبان سپرده در عقود شرعی که مد نظر قانون است به کار می‌گیرند. افزون بر این، بانک‌ها بازپرداخت اصل سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد می کنند و منافع حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد متناسب با مدت و مبلغ سپرده با رعایت سهم منابع بانک، پس از کسر هزینه‌ها و حق‌الوکاله بین صاحبان سپرده‌ها تقسیم می‌کنند (آئین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب، ۱۳۶۲).

در این حساب ها اگر چه میزان سود از ابتدا معلوم نیست، لکن به سبب وسعت عمل و تنوع معاملات این اطمینان است که سود مناسبی عاید این وجوه خواهد شد؛ به طوری که بانک می‌تواند قبل از حسابرسی به آنان سود علی‌الحساب بپردازد. بنا به نص قوانین بانکی نیاز است همه‌ساله نرخ سود قطعی سپرده‌ها پس از پایان فرآیندهای حسابداری و حسابرسی به مشتریان پرداخت شود. از آنجا که رابطه سپرده‌گذار و بانک وکالت است، سپرده‌گذار به بانک وکالت عام می‌دهد که وجوه او را همراه سایر وجوه و منابع بانکی، به نحو مشاع در فعالیت‌های اقتصادی سودآور به‌کار گیرد (مسعودی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

۷. رعایت حقوق ذی‌نفعان در سپرده‌پذیری بانکداری ایران با رویکرد حاکمیت شرکتی

آن‌گونه که در بخش ابتدایی مقاله اشاره شد، در نظریه ذی‌نفعان به عنوان یکی از کاربردی‌ترین نظریات این حوزه، حاکمیت شرکتی نه‌تنها روابط میان شرکت و مالکان آن‌ها (سهام‌داران)، بلکه روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق بهادار و غیره را شامل می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

از این رو چنانچه در پی اجرای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور هستیم، باید تلاش کنیم تا حقوق گروه ذی‌نفعان فعالیت بانکداری به نحو مناسبی تأمین شود. با توجه به تبیین موضوع پژوهش، این نوشتار به گروه سپرده‌گذاران بانکی به عنوان بخشی از مهم‌ترین گروه ذی‌نفعان متمرکز شده است. در ادامه با اشاره به مهم‌ترین حقوق سپرده‌گذاران بر عهده بانک، حاکمیت شرکتی در سپرده‌پذیری بانکی را از این زاویه آسیب‌شناسی می‌کنیم:

۷-۱. توجه به قصد و هدف سپرده‌گذاران

بنا به قواعد فقهی قراردادها باید از قصد و نیت طرفین معامله تبعیت کنند (قاعده العقود تابعه للقصود). در نظام بانکداری نیز سپرده‌گذاران در اعطای سپرده مقاصد و اهدافی را دنبال می‌کنند که بانک باید در پی تأمین آن باشد (نظرپور و ملاکریمی، ۱۳۹۷).

از جمله سپرده‌های بانکداری ایران، سپرده‌های قرض‌الحسنه است. حال سؤال این است: از آنجا که یکی از پایه‌ترین مبانی دریافت قرض‌الحسنه وجود نیاز به منابع مالی است، در این وضعیت، اعطای قرض‌الحسنه به بانک که خود دارای منابع مالی فراوان است چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ به نظر می‌رسد از آنجا که بانک‌ها مؤسسات انتفاعی هستند، در واقعیت سزاوار دریافت قرض‌الحسنه نیستند. از این رو سپردن منابع قرض‌الحسنه‌ای به بانک، به منظور اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان و محتاجان است؛ نه اینکه بانک‌ها خود نیازمند قرض‌الحسنه باشند؛ بانک صرفاً نقش واسطه‌گری بین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده را دارد و این نکته‌ای است که در متن قانون چندان شفاف نشده است.

در این قاعده، وجوه فراهم‌شده از ناحیه حساب‌های قرض‌الحسنه مطابق ماهیت عقد قرض به مالکیت بانک‌ها درآمده و جزو منابع بانک خواهد بود. برخی از بانک‌ها با استناد به این موضوع، یعنی مالکیت خود بر منابع قرض‌الحسنه‌ای و در اقدامی مغایر با اهداف واقعی قرض‌الحسنه، بخش قابل توجهی از این منابع را به جای آنکه در تسهیلات قرض‌الحسنه برای نیازمندان و محرومان به‌کار گیرند، آن را در تسهیلات سودآور و انتفاعی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌دهند. روشن است که این نوع کاربرد وجوه سپرده‌های قرض‌الحسنه با ماهیت این نوع سپرده‌ها و نیت و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

قصد سپرده‌گذاران (ذی‌نفعان) منافات اساسی دارد؛ بنابراین این روش از تجهیز منابع غیرانتفاعی در بانک‌های تجاری و بازرگانی به شکل حاضر، احتمال انحراف و اختلال در تأمین اهداف و مقاصد ذی‌نفعان، تضییع حقوق ایشان و تضعیف حاکمیت شرکتی را افزایش می‌دهد. از این جهت می‌توان این مورد را از جمله چالش‌های اجرای حاکمیت شرکتی در بخش تجهیز منابع بانکی قلمداد کرد.

ممکن است بیان شود که در حساب‌های قرض‌الحسنه از نوع حساب‌های جاری، قرض‌دهنده اهداف دیگری همانند حفظ و نگهداری پول، تسهیل در معاملات و مبادلات مالی و نقل‌وانتقال وجوه، دریافت دسته چک و برخورداری از مزایای آن و غیره را مد نظر دارد. در اینجا باید خاطرنشان کرد مطابق آموزه‌های اسلامی، قرض‌الحسنه زمانی معنا و مفهوم دارد که قرض‌دهنده برای کسب پاداش و ثواب اخروی به فرد نیازمندی پول یا کالایی را قرض دهد؛ حال چنانچه قرض‌دهنده اهداف دیگری را در نظر دارد، مبلغ اعطایی او نام «قرض» به خود می‌گیرد و نه «قرض‌الحسنه». البته خود قرض بدون بهره از نظر اسلامی مجاز و مشروع است و تنها عنوان قرض‌الحسنه بدان صدق نمی‌شود (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۱).

از این جهت باید گفت عموماً در سپرده‌های جاری نظام بانکی، نه سپرده‌گذاران و نه خود بانک به دنبال تأمین اهداف خیرخواهانه و با نیت کسب پاداش و ثواب اخروی نیستند؛ بلکه هدف سپرده‌گذار از افتتاح چنین حسابی، غالباً سامان‌دهی به دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از طریق خدمات حساب جاری همچون دسته چک بوده و از طرف دیگر هدف و نیت بانک از ایجاد چنین حسابی استفاده از رسوب مانده حساب‌ها جهت سودآوری است؛ بنابراین گرچه این سپرده‌ها ماهیت حقوقی قرض بدون بهره دارند و از مشروعیت برخوردار هستند، ولیکن نمی‌توان نام آن را «قرض‌الحسنه» قرار داد. از این حیث، تفاوت ماهوی در نام‌گذاری قراردادها امکان انحراف از خواست و مقاصد ذی‌نفعان، تضییع حقوق ایشان و تضعیف حاکمیت شرکتی را فراهم می‌سازد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

۷-۲. پرداخت به‌موقع و کامل اصل سپرده به سپرده‌گذاران

از جمله حقوق سپرده‌گذاران بانکی، دریافت به‌موقع و کامل اصل سپرده است. البته این حق در سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) با سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار تفاوت دارد. با توجه به ماهیت قرض، بانک مؤظف به پرداخت اصل سپرده است و این اجبار از ماهیت عقد ناشی می‌شود؛ اما در سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک وکیل است، این اجبار ماهیتی وجود ندارد؛ از این حیث قانون‌گذار از مسیر تعهدورزی بانک و یا بیمه اقدام به تضمین اصل سپرده کرده است. ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا در این خصوص می‌گوید: «بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) هستند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا بیمه کنند».

بنابراین چه از حیث اجبار ماهیتی (در سپرده‌های قرض‌الحسنه) و چه از حیث تعهد و بیمه از سوی بانک (در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار)، سپرده‌گذاران محق در دریافت اصل سپرده می‌شوند. عدم پرداخت به‌موقع و یا کامل سپرده‌ها مبتنی بر مفاد قرارداد، همانند آنچه در برخی مؤسسات غیرمجاز در سالیان اخیر مشاهده شده است، همگی به تضییع حقوق سپرده‌گذاران و درنتیجه به تضعیف حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران منجر می‌شود.

۷-۳. پرداخت سپرده‌های ارزی به سپرده‌گذاران بر مبنای توافق شده در قرارداد

بانک‌ها در برخی از شرایط بنابه سیاستگذاری مقام ناظر پولی، مجاز به دریافت سپرده‌های ارزی هستند. بعضاً مشاهده می‌شود که در ذیل این سپرده‌پذیری شرط می‌شود که در هنگام بازپرداخت، سپرده‌ها در قالب ارز سپرده‌گذاری شده به سپرده‌گذاران پرداخت شود. با توجه به تفاوت نرخ ارز در بازارهای رسمی و غیررسمی اقتصاد کشور، مسلماً نحوه بازپرداخت سپرده برای سپرده‌گذاران دارای اهمیت است. از این رو چنانچه در قرارداد ذکر شده باشد که سپرده‌های ارزی در قالب ارز خاصی به سپرده‌گذاران بازگشت داده می‌شود، پرداخت سپرده در مبنایی غیر از ارز مد نظر به معنای تضییع حق سپرده‌گذار و تضعیف حاکمیت شرکتی خواهد بود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

۷-٤. تعیین و پرداخت به‌موقع و کامل سود قطعی در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

از مهم‌ترین موارد قابل بحث در خصوص رعایت موازین حاکمیت شرکتی در سپرده‌پذیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، موضوع تعیین و پرداخت سود این سپرده‌ها به‌موقع و به طور کامل است. ماده ۱۰ آئین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تحت عنوان آیین‌نامه تجهیز منابع پولی مصوب ۲۷ آذر ۱۳۶۲ هیئت‌وزیران، به این موضوع پرداخته است. این ماده بیان می‌دارد «به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده از قبل به عنوان سود پرداخت نخواهد شد. منافع حاصله از عملیات موضوع ماده ۹ بر اساس قرارداد منعقده، متضمن وکالت، بین بانک و سپرده‌گذار متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری، پس از وضع سپرده‌های قانونی مربوط و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به‌کارگرفته‌شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.

سود علی‌الحساب وجهی است که قبل از اتمام و به نتیجه رسیدن عملیات سرمایه‌گذاری و حصول و محاسبه سود قطعی از جانب بانک به صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود. از آنجا که صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری معمولاً کسانی هستند که می‌خواهند ضمن حفظ اصل سرمایه خود، از سود حاصل از آن استفاده کنند و از آنجا که در یک نظام بانکی با حجم انبوه سپرده سرمایه‌گذاری مشاع، امکان محاسبه سود قطعی حاصل از عملیات و سهم هر یک از سپرده‌گذاران در فواصل زمانی کوتاه ممکن نیست، بانک باید سود قطعی سپرده‌گذاری را بعد از پایان دوره مالی و پس از کسر هزینه‌ها محاسبه کند (قلیچ، ۱۳۹۶: ۱۲).

بنابراین سود علی‌الحساب قطعی و نهایی نیست، اما بانک‌های کشور به علت پیچیدگی و هزینه‌زا بودن محاسبات سود نهایی و قطعی ناشی از اختلاط سرمایه‌ها و سپرده‌های بانکی، عموماً تقسیم منافع ناشی از عملیات بانکی (تخصیص منابع) به نسبت منابع سپرده گذار و منابع بانک را صورت نمی‌دهند. به عبارتی هیچ نسبتی برای توزیع سود بین بانک و سپرده‌گذاران و بین هر یک از انواع سپرده‌ها به نحو دقیق و متقن، محاسبه و اعلام نمی‌شود و غالباً سود علی‌الحساب اعلام شده

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

از سوی بانک‌ها همان سود قطعی تلقی می‌شود. از این حیث سپرده‌گذاران به عنوان ذی‌نفعان عملیات بانکی قادر نخواهند به حقوق خود به نحو کامل دست یابند و از این جنبه اجرای حاکمیت شرکتی در ایفای حقوق ایشان به طور جدی زیر سؤال خواهد رفت. همچنین اگر رفتار سود قطعی با سودهای علی‌الحساب پرداختی شود و مابه‌التفاوت سود قطعی از سود علی‌الحساب به حساب سپرده‌گذاران واریز نشود، افزون بر چالش حاکمیت شرکتی، شبهات شرعی مانند تحقق ربا و یا اکل مال به باطل توسط بانک نیز مطرح می‌شود؛ موضوعی که رخداد آن در امر وکالت‌پذیری بانک‌های کشور در سپرده‌پذیری مدت‌دار دور از واقعیت نیست و می‌توان آن را به عنوان یک آسیب شناسایی نمود.

البته لازم به اشاره است که این چالش منحصر به وجود سود قطعی بالاتر از سود علی‌الحساب و عدم پرداخت مابه‌التفاوت آن به سپرده‌گذاران نمی‌شود؛ بلکه چه بسا سود قطعی پایین‌تر از سود علی‌الحساب باشد و بانک بنا به تعهدی که به پرداخت حداقل سود دارد، از سهم و حقوق سهام‌داران به عنوان گروهی دیگر از ذی‌نفعان نظام بانکی این کسری را جبران کند (قلیچ، ۱۳۹۶: ۱۳). این چالش افزون بر تضعیف مقوله حاکمیت شرکتی در گروه سهام‌داران (ذی‌نفعان) در تعارض با مقوله عدالت و قاعده تبعیت نما از اصل نیز قرار دارد[۱].

۷-۵. اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران در صورت تغییر نرخ سود هنگام تمدید سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

رویه نظام بانکی آن است که سپرده‌های مدت‌دار در سررسید و بر اساس نرخ‌های علی‌الحساب جدید به صورت خودکار تمدید می‌شود. به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران در خصوص تغییرات نرخ سود علی‌الحساب از حقوق سپرده‌گذاران بوده و بانک ملزم به انجام این کار است.

۱. با توجه به آنکه هدف این نوشتار، گروه سپرده‌گذاران در دسته ذی‌نفعان بانکی است، از پرداخت بیشتر به سایر ذی‌نفعان نظام بانکی پرهیز می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

۷-٦. انجام صحیح امور وکالت از سوی بانک

آن‌گونه که بیان شد در سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری مدت‌دار، بانک وکیل سپرده‌گذاران است و وظیفه دارد وجوه را در عقود شرعی مصوب قانون با لحاظ مباحث مدیریتی ریسک در اختیار تسهیلات‌گیرندگان قرار دهد. حال چنانچه در امر تسهیلات‌دهی، رعایت ضوابطی از جمله اخذ وثیقه مناسب، ارزیابی طرح اقتصادی متقاضی تسهیلات، اعتبارسنجی تسهیلات‌گیرنده، نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات در محل مورد اشاره متقاضی در هنگام انعقاد قرارداد، دریافت سود منطقی از تسهیلات‌گیرندگان و مباحثی از این دست نشود، یعنی بانک در انجام امر وکالت برای سپرده‌گذار کوتاهی کرده و به نوعی حق سپرده‌گذار تضییع شده است. از این بابت بایستی اشاره داشت که حاکمیت شرکتی در رعایت حقوق سپرده‌گذاران می‌تواند از این ناحیه مورد تضعیف قرار گیرد.

۷-۷. رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات سپرده‌گذاران

بانک باید به مالکیت و منابع اطلاعات سپرده‌گذاران احترام بگذارد و اصول امانت‌داری و رازداری را نسبت به این نوع مسائل رعایت کند. از این رو بانک باید مراقب باشد که اطلاعات سپرده‌گذاران را خارج از قاعده و قانون افشا نکرده و حریم خصوصی آنان را خدشه‌دار نسازند. همچنین بانک حق ندارد از اطلاعات سپرده‌گذاران بدون رضایت آنان در مسیر تبلیغات و کار رسانه‌ای استفاده کند (عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳: ۱۶۴). عدم رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات سپرده‌گذاران منجر به تضییع حقوق سپرده‌گذاران و تضعیف حاکمیت شرکتی خواهد شد.

۷-۸. ایفای تعهدات مندرج در متن قرارداد

بانک ملزم به ایفای تعهدات خود در خصوص شروط ضمن قرارداد مرتبط با خود است. به عنوان نمونه در سپرده‌های امتیازی، سپرده‌گذار با کسب امتیاز لازم بر حسب میزان و مدت سپرده‌گذاری خود، مستحق دریافت تسهیلات می‌شود. حال چنانچه بانک در ایفای تعهدات خود نسبت به

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

اعطای تسهیلات به سپرده‌گذار تأخیر و یا تعللی داشته باشد، حق این دسته از ذی‌نفعان تضییع می‌شود. البته لازم به ذکر است مثال تسهیلات امتیازی، برای سایر سپرده‌های امتیازی غیر از قرض‌الحسنه می‌تواند محقق باشد. چراکه در سپرده‌های قرض‌الحسنه، نباید شرطی مبنی بر پرداخت تسهیلات به سپرده‌گذار وجود داشته باشد؛ زیرا که این امر موجب ایجاد شبهه پرداخت مازاد بر اصل قرض شده و ایراد شرعی پیدا می‌کند. از این جهت، مثال پیش‌گفته می‌تواند برای سایر سپرده‌های امتیازی (غیر از قرض‌الحسنه) جریان داشته باشد.

۷-۹. رعایت حقوق وراث سپرده‌گذاران

شاید این‌گونه برداشت شود که رعایت حقوق ذی‌نفعان در بخش سپرده‌گذاری صرفاً منحصر و محدود به خود سپرده‌گذار است؛ اما نکته جالب آن است که در صورت فوت سپرده‌گذار، حق و حقوقی برای وراث سپرده‌گذار از جانب بانک وجود دارد که این مورد نیز باید مورد توجه و رعایت بانک قرار گیرد.

موردی که بعضاً ممکن است مشاهده شود آن است که بانک‌ها پس از اطلاع از فوت صاحب سپرده، حساب او را تا زمان انحصار وراثت و تعیین تکلیف وضعیت وراث، به سرفصل بستانکاران موقت منتقل کرده که حسابی عندالمطالبه بود و سود به آن تعلق نمی‌گرفت. در این حالت گرچه منابع متوفی نزد بانک خواهد بود اما ورثه تا زمان انحصار وراثت از دریافت اصل سپرده و سود آن محروم می‌شوند[۱]. ریشه این مسئله در اینجاست که در فرم‌هایی که هنگام افتتاح حساب بانکی توسط مشتریان تکمیل می‌شود، بانک از سوی فرد وکالت عام پیدا می‌کند تا با فوت وی و برهم خوردن رابطه وکالت بین او و بانک، بانک طبق این وکالت عام از سوی مشتری تصمیم تازه بگیرد؛ بر همین اساس و طبق مقررات جاری نظام بانکداری، این امکان وجود دارد که بانک سپرده متوفی را به سرفصل جداگانه‌ای منتقل کند.

۱. البته برای هزینه کفن و دفن و مراسم خاکسپاری و سایر هزینه‌ها، به استناد بخشنامه صادره توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و اصلاحیه آن تدابیری برای پرداخت سهمی از سپرده با شرایط خاص اندیشیده شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

در خصوص امکان پرداخت وجوه وکالتی سپرده گذار متوفی به وراث، قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات ۳۱ تیر ۱۳۹۴، محدودیتی برای بانک ها لحاظ کرده است. بنا به بند یک از ماده ۳۴ این قانون، بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری شرکت‌ها، مؤسسات نهادهای عمومی غیردولتی و سایر اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی که وجوه نقد یا سفته یا جواهر و یا هر نوع مال دیگر از متوفی نزد خود دارند، مجاز نیستند قبل از اخذ گواهی پرداخت مالیات مربوط موضوع این قانون، اموال و دارایی‌های متوفی را به وراث یا موصی‌له تسلیم کنند و یا به نام آن‌ها ثبت و یا معاملاتی راجع به اموال و دارایی‌های مزبور انجام دهند.

اما در مورد پرداخت سود به این گونه سپرده‌ها پس از اطلاع بانک از فوت صاحب سپرده، در حال حاضر با پیش بینی حق وصایت، سعی در حل این مسئله شده است. بانک مرکزی با صدور بخشنامه‌ای خطاب به مدیران عامل بانک‌های دولتی، غیردولتی (به استثنای بانک‌های قرض الحسنه)، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه اعلام کرده است: نظر به اینکه طبق مفاد ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب شهریورماه ۱۳۶۲، رابطه بانک با سپرده گذار در به کارگیری سپرده سرمایه گذاری مدت‌دار رابطه وکالت است، لذا در صورت فوت، جنون و سفه صاحب حساب سپرده مذکور، یا فوت، جنون و سفه ولی یا قیم صاحب حساب، رابطه وکالت منفسخ و به سپرده یاد شده سودی تعلق نمی گیرد. در این خصوص جهت استمرار شرایط قرارداد و تداوم بهره مندی این نوع از سپرده ها از سود حاصله، کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری در بیست و ششمین جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰، مبادرت به تصویب شرط الزامی ذیل و درج آن در قرارداد سپرده گذاری به شرح زیر کرد:

«اخذ سپرده سرمایه گذاری مدت‌دار توسط بانک‌ها، مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا، با استفاده از عقد وکالت با حق توکیل، فی ما بین بانک و مشتری صورت پذیرفته و جهت استمرار شرایط قرارداد در صورت فوت، جنون و سفه صاحب حساب یا ولی و قیم صاحب حساب، بانک ها باید شرطی را در قرارداد سپرده گذاری (اعم از انفرادی یا مشترک) مبنی بر وجود رابطه «وصایت» بین بانک و مشتری در صورت وقوع شرایط فوق‌الاشاره درج کند».

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

بنابراین به نظر می‌رسد با این تدبیر می‌توان در صورت وجود چنین شرطی در قرارداد، وراث را در سود سپرده‌های متوفی تا زمان احصار وراثت و تعیین تکلیف سپرده مد نظر، دارای حق دانست. از این بابت، چنانچه بانک در شرایط مذکور در پرداخت سود به این‌گونه از حساب‌ها تعلل ورزد، حقوق وراث سپرده‌گذاران متوفی تضییع خواهد شد.

۸. راهکارهایی برای تقویت رعایت حقوق سپرده‌گذاران بانکی از منظر حاکمیت شرکتی

از این رو مشخص شد که نحوه سپرده‌پذیری نظام بانکی چه در قالب عقد قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) و چه در قالب عقد وکالت (سپرده‌های مدت‌دار) می‌تواند با چالش تضعیف حقوق سپرده‌گذاران به عنوان بخشی از جامعه ذی‌نفعان نظام بانکی مواجه باشد که این تضعیف بر مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی اثرگذاری خواهد داشت.

برای تقویت اجرای حاکمیت شرکتی از منظر رعایت حقوق سپرده‌گذاران بانکی پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۸-۱. استفاده از الگوی «سپرده وکالت خاص[1]»

الگوی «سپرده وکالت خاص» که پیش از این نیز برخی از محققین بانکداری اسلامی (موسویان، ۱۳۸۳) کم‌وبیش مطرح کرده‌اند، شاید بتواند به کاهش چالش‌های حاکمیت شرکتی از نگاه سپرده‌گذاران در اجرایی کردن عملیات بانکداری بدون ربای ایران منتهی شود. این الگو در سه طبقه کلی قابل ارائه است:

۸-۱-۱. سپرده وکالت خاص در قرض‌الحسنه

در این سپرده بانک از ابتدا در قالب عقد وکالت خاص در قرض‌الحسنه، منابع سپرده‌گذاران حساب‌های پس‌انداز را جذب می‌کند. بانک بنابر قاعده وکالت وظیفه دارد در راستای اهداف و

۱. در وکالت خاص، مورد وکالت و محدوده اختیارات وکیل معلوم است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

خواست موکلین (سپرده‌گذاران)، منابع پس‌انداز جذب شده را وکالتا صرفاً در امور قرض‌الحسنه جهت تأمین مالی فقرا و محرومان و نیازمندان تسهیلات‌دهی کند. از این حیث خواست و قصد سپرده‌گذاران پس‌انداز قرض‌الحسنه به عنوان بخشی از گروه ذی‌نفعان نظام بانکی به‌منظور انجام اعمال خیر و خداپسندانه و حفظ سنت مبارک قرض‌الحسنه تأمین خواهد شد و بانک امکان و اجازه استفاده از این منابع در سایر امور انتفاعی همچون تسهیلات مبادله‌ای و یا مشارکتی را نخواهد داشت.

همچنین می‌توان برای سپرده‌های جاری از عقد قرض به جای قرض‌الحسنه استفاده کرد. در این مجرا، بدون استفاده از عقد وکالت، منابع حساب‌های جاری در قالب عقد قرض به بانک پذیرنده تملیک می‌شود و بانک قادر است از آن منابع در راستای برنامه‌های انتفاعی خود استفاده کند. از این جهت تجهیز منابع در بخش اول به دو مسیر «وکالت خاص در قرض‌الحسنه برای سپرده‌های پس‌انداز» و «عقد قرض برای سپرده‌های جاری» تقسیم خواهد شد.

۸-۱-۲. سپرده وکالت خاص در عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت

بانک می‌تواند با تعیین مجموعه‌ای از عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت همچون مرابحه، اجاره به‌شرط تملیک، جعاله و غیره خط وکالتی مشخصی از بخش تجهیز تا بخش تخصیص دایر کند. در این قالب، بانک منابع را از ابتدا در قالب عقد وکالت خاص (وکالت در صرف منابع در عقود مبادله‌ای معین) از سپرده‌گذاران جذب می‌کند. به عبارتی در مرحله جذب سپرده به سپرده‌گذاران اعلام می‌شود که وجوه جمع‌آوری‌شده صرفاً در قالب عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت و مشخص هزینه کرد خواهد شد. بانک در این الگو نقش وکیل سپرده‌گذاران را بر عهده دارد. از این جهت با برنامه‌ریزی در بخش تسهیلات با نرخ سود مشخص این امکان وجود دارد که بانک نرخ سود ثابتی را به سپرده‌گذاران پرداخت کند. این سود ماحاصل سود تسهیلات مبادله‌ای منهای حق‌الوکاله بانک در جایگاه وکیل سپرده‌گذاران خواهد بود.

در این قالب نیاز است که بانک در ابتدا پرتفویی از قراردادهای مبادله‌ای که نرخ سود ثابتی دارند را تدارک ببیند. سپس با عملیات حسابداری، میانگین سود حاصل از اعطای تسهیلات

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

مبادله‌ای در یک دوره مالی را محاسبه و با کسر حق‌الوکاله و سایر ذخایر و کسورات احتیاطی و قانونی، نرخ سودی را از ابتدا برای سپرده‌گذاران مشخص سازد. لازم به ذکر است بنا به نظریه استخر منابع[1]، چالش پرداخت سود در دوره‌های ابتدایی قبول سپرده مرتفع می‌شود. بدین معنا که سپرده‌های تجهیز شده بلافاصله در استخری از منابع وکالت در قراردادهای مبادله‌ای وارد می‌شود که در هر دوره زمانی سود آن قابل برآورد خواهد بود.

۸-۱-۳. سپرده وکالت خاص در عقود مشارکتی با نرخ سود انتظاری

بانک می‌تواند با تعیین مجموعه‌ای از عقود مشارکتی با نرخ سود متغیر و انتظاری همچون مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه و غیره خط وکالتی مشخصی از بخش تجهیز تا بخش تخصیص دایر کند. در این قالب، بانک منابع را از ابتدا در قالب عقد وکالت خاص (وکالت در صرف منابع در عقود مشارکتی معین) از سپرده‌گذاران جذب می‌کند. به عبارتی در مرحله جذب سپرده به سپرده‌گذاران اعلام می‌شود که وجوه جمع‌آوری شده صرفاً در قالب عقود مشارکتی با نرخ سود متغیر و نامشخص هزینه کرد خواهد شد. بانک در این الگو نقش وکیل سپرده‌گذاران را بر عهده دارد و سود نهایی از کسر حق‌الوکاله بانک و سایر کسورات قانونی از سود تسهیلات مشارکتی حاصل خواهد شد. البته این در شرایطی است که خود بانک شریک سپرده‌گذاران در قراردادهای مشارکتی نباشد و صرفاً در جایگاه وکیل به اداره امور بپردازد؛ اما چنانچه بانک منابع خود را نیز درگیر کند، سپرده‌گذاران به نوعی با بانک شریک می‌شوند و بانک افزون بر نقش وکیل، نقش شریک سپرده‌گذاران را هم از آن خود خواهد کرد. در این حالت بنا به قواعد عقد وکالت و شراکت، بانک مستحق برداشت سهم سود خود به علاوه حق‌الوکاله خود از سود حاصل از تسهیلات مشارکتی به‌دست‌آمده خواهد بود.

1. Asset Pool

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

درمجموع به نظر می‌رسد الگوی تفکیک سپرده‌های بانکی بر اساس عقد وکالت خاص این امکان را فراهم می‌سازد که اولاً، سپرده‌گذارانی که قصد اجرای سنت پسندیده قرض‌الحسنه را دارند به هدف خود نائل شوند و بانک اجازه انحراف منابع قرض‌الحسنه‌ای در سایر مجاری را نداشته باشد. از این حیث خواست و مقاصد این گروه از ذی‌نفعان نظام بانکی (سپرده‌گذاران حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه‌ای) به نحو بهتری تأمین و رضایت خاطر ایشان به نحو بیشتری جمع می‌گردد. ثانیاً معضل عدم محاسبه مابه‌التفاوت سود قطعی از سود علی‌الحساب و تضییع حقوق سپرده‌گذاران کمرنگ‌تر می‌شود؛ چرا که بنا بر تفکیک سپرده‌ها در قالب بهره‌گیری از عقد وکالت خاص، امکان پرداخت و تعیین سود قطعی در سپرده‌های وکالت در عقود مبادله‌ای برای سپرده‌گذارانی که خواهان سود قطعی هستند تا حد زیادی ممکن خواهد بود (البته این قطعیت به نحو مطلق نیست و بنا بر عملیات بانکداری، مقداری عدم قطعیت را در خود خواهد داشت). در این حالت پرداخت سود علی‌الحساب صرفاً محدود به سپرده‌های وکالت در عقود مشارکتی خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود با به‌کارگیری این الگو، با توجه به کاهش حجم سپرده‌پذیری‌های مستلزم پرداخت سود علی‌الحساب، امکان محاسبه سود قطعی و پرداخت مابه‌التفاوت‌ها سهولت نسبی خواهد یافت.

۸-۲. نظارت بر عملیات بانکی جهت رعایت حقوق سپرده‌گذاران

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظارت شرعی در نظام بانکی ایران به لحاظ قانونی، نهادی و اجرایی ضعیف است و این امر منجر به آسیب‌های متعددی در نظام بانکی شده است (روحانی و بنی‌طبا، ۱۳۹۵: ۱).

نظارت بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط بر اجرای صحیح امر وکالت توسط بانک‌ها در قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، استفاده از منابع قرض‌الحسنه‌ای مطابق با قصد و نیت سپرده‌گذاران سپرده‌های قرض‌الحسنه‌ای، ایفای کامل تعهدات مندرج در متن قراردادهای سپرده‌گذاری، پرداخت به‌موقع و کامل اصل سپرده به سپرده‌گذاران، پرداخت سپرده‌های ارزی به سپرده‌گذاران بر مبنای توافق شده در قرارداد، تعیین و پرداخت به‌موقع و کامل سود قطعی در

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران و همچنین رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات سپرده‌گذاران همگی موجب می‌شود از حقوق سپرده‌گذاران به عنوان بخش مهمی از ذی‌نفعان نظام بانکی صیانت شود. بی‌شک این رعایت حقوق به اجرای بهتر حاکمیت شرکتی بنا به تعاریف ارائه شده خواهد انجامید. به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از یکسو و اعمال سیاست‌های تنبیهی و بازدارنده از سوی دیگر می‌تواند این نوع نظارت را مؤثرتر کند.

۸-۳. تخصصی‌سازی شبکه بانکی

بنا به مطالعات تحلیل محتوایی (ازجمله موسویان، ۱۳۸۳)، تخصصی‌سازی شبکه بانکی موجب شود، سپرده‌گذاران در شاخه فعالیتی مد نظر خود وارد شده و ریسک مرتبط با خود را پذیرا باشند. به عنوان نمونه، چنانچه فردی در پی اعطای قرض‌الحسنه و انجام کار خیر است می‌تواند به بانک‌های قرض‌الحسنه‌ای مراجعه کند. چنانچه فردی به دنبال دریافت سود قطعی بدون ریسک است می‌تواند به بانک‌های تجاری با عقود مبادله‌ای مراجعه کند. همچنین چنانچه فردی پذیرای ریسک بالا در طرح‌های مشارکتی است می‌تواند به بانک‌های توسعه‌ای مراجعه کند و در پروژه‌های مشارکتی با سود نامعین سرمایه‌گذاری کند.

۹. نتیجه‌گیری

بر اساس ادبیات موجود، رعایت حقوق ذی‌نفعان (از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، سهام‌داران، دارندگان اوراق بهادار و غیره) از زمینه‌های استقرار حاکمیت شرکتی در هر مجموعه‌ای است. سهم مهمی از مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری جریان دارد که با توجه به تنوع ذی‌نفعان در این نظام (سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهام‌داران، کارکنان و مدیران و غیره) و حساسیت فعالیت‌های پولی و بانکی و ریسک‌های پیرامونی آن توجه به این حوزه در تیررس محققین قرار داشته است. از این رو گفته می‌شود نظام بانکی نیز همانند و بلکه مهم‌تر از سایر نهادها و مؤسسات و شرکت‌ها نیازمند رعایت اصول

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

حاکمیت شرکتی است. تجربه جهانی نیز نشان‌دهنده این حقیقت است که رعایت این‌گونه اصول، اثرات مثبت و سازنده‌ای بر عملکرد بانک‌ها برجای می‌نهد.

بانکداری بدون ربا از آن حیث که از لحاظ کارکردی، سازوکاری و سازمانی شباهت‌هایی به بانکداری متعارف دارد، در مقوله پیاده‌سازی ضوابط حاکمیت شرکتی نیز دارای شباهت‌هایی به نظام متعارف است؛ اما وجود تفاوت‌هایی در بخش تجهیز و تخصیص منابع بانکی موجب شده، چارچوب متفاوتی از حاکمیت شرکتی برای بانک‌های بدون ربا قابل طرح‌ریزی باشد که این تفاوت عمدتاً به تعریف حقوق ذی‌نفعان بانکی متناسب با موازین بانکداری بدون ربا مرتبط می‌شود. به عنوان نمونه، از جمله تفاوت‌های نظام بانکداری بدون ربا با نظام بانکداری متعارف، در بخش سپرده‌پذیری و تجهیز منابع است که نیاز به تأمین سازوکاری برای کاهش هزینه‌های احتمالی سوءاستفاده از اطلاعات نامتقارن در این نوع بانکداری مورد توجه است.

در تجهیز منابع بانکداری بدون ربا از عقود اسلامی همانند وکالت و یا عقود مشارکتی استفاده می‌شود که در این نوع عقود، سپرده‌گذاران به نوعی مشارکت در سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که بانک‌ها به طور قابل توجهی از اطلاعات بیشتری در مورد آن سرمایه‌گذاری‌ها برخوردار می‌باشند و یا در زمینه اعطای وکالت به بانک در به‌کارگیری منابع تجهیز شده، به طور مشخصی اختیار عمل در نزد بانک به عنوان وکیل و امین سپرده‌گذاران نهاده می‌شود.

با تدقیق در نحوه سپرده‌پذیری در نظام بانکی ایران به نظر می‌رسد رویه موجود در نظام فعلی امکان تضعیف حاکمیت شرکتی را در قبال رعایت حقوق سپرده‌گذاران در خود دارد. از جمله حقوقی که بانک باید در قبال سپرده‌گذاران خود جهت اعمال بهتر حاکمیت شرکتی رعایت کند می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: توجه به قصد و هدف سپرده‌گذاران، پرداخت به‌موقع و کامل اصل سپرده به سپرده‌گذاران، پرداخت سپرده‌های ارزی به سپرده‌گذاران برمبنای توافق شده در قرارداد، تعیین و پرداخت به موقع و کامل سود قطعی در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران در صورت تغییر نرخ سود هنگام تمدید سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، انجام صحیح امور وکالت از سوی بانک، رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

سپرده‌گذاران، ایفای تعهدات مندرج در متن قرارداد و همچنین رعایت حقوق وراث سپرده‌گذاران.

از لحاظ نظری، پیشنهاد تفکیک سپرده‌های بانکی بنا به عقد وکالت خاص در سه مجرای سپرده‌های وکالت در قرض‌الحسنه (در کنار به‌کارگیری عقد قرض به جای قرض‌الحسنه در حساب‌های جاری)، سپرده‌های وکالت در عقود مبادله‌ای و سپرده‌های وکالت در عقود مشارکتی، نظارت بر عملیات بانکی جهت رعایت حقوق سپرده‌گذاران و تخصصی‌سازی شبکه بانکی می‌تواند تا حدی به تقویت اجرای حاکمیت شرکتی در بخش تجهیز منابع بانکی به نفع گروه سپرده‌گذاران منتج شود و از چالش‌ها و آسیب‌های آن بکاهد.

در پایان یادآور می‌شود که در مطالعات این حوزه، در ارزیابی رعایت حقوق ذی‌نفعان عمدتاً از ترکیب روش‌های کمی و کیفی استفاده می‌شود به نحوی که عموماً از میان روش‌های کمی پیمایش و از میان روش‌های کیفی تکنیک مصاحبه گروهی مد نظر پژوهشگران قرار می‌گیرد؛ اما با توجه به گستردگی ابعاد نظری این موضوع، این پژوهش فرصت مطالعه کمی را نداشته است؛ از این جهت تحلیل و بررسی کمی و آماری از وضعیت فعلی رعایت حقوق ذی‌نفعان و خصوصاً سپرده‌گذاران در عملیات بانکی بدون ربای کشور به عنوان مطالعه‌ای مستقل و البته ضروری توصیه می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

منابع

امین‌آزاد، امیرحسین (۱۳۹۳). «ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌ها». *مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

بدری، احمد (۱۳۸۷). «مبانی و ضرورت راهبری شرکتی». *مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی*. تهران: شرکت بورس اوراق بهادار تهران.

تقوی، مهدی؛ احمدیان، اعظم و مهران کیانوند (۱۳۹۲). «تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای درحال‌توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها)». *فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*. دوره ۶. شماره ۱۹. صص ۶۶-۴۵.

دریائی، عباسعلی؛ فتاحی، یاسین ، فهیمه داوودی (۱۳۹۹). «حاکمیت شرکتی و ریسک نامطلوب سود». *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*. دوره ۹. شماره ۱۶. صص ۱۱۶-۹۳.

روحانی، سید علی و سید مهدی بنی‌طبا (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی نظام بانکی: نظارت شرعی بانک مرکزی». *گزارش معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*. شماره مسلسل ۱۴۷۹۱.

روشندل، محمد (۱۳۸۶). «راهکارهای بومی‌سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران». *گزارش گروه مجوزهای بانکی*. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

فرزین‌وش، اسدالله؛ دادگر، یدالله؛ مهرآرا، محسن و ابوالفضل نجارزاده (۱۳۹۶). «نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی». *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. دوره ۲۵. شماره ۸۲. صص ۳۱۰-۲۶۱.

عیوضلو، حسین و وهاب قلیچ (۱۳۹۳). *بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی (ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری)*. تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

قلیچ، وهاب (۱۳۹۵). «جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی». *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. دوره ۷. شماره ۱۴. صص ۱۱۰-۸۷.

قلیچ، وهاب (۱۳۹۶). «بررسی ابعاد فقهی سپرده‌پذیری سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانکی». *گزارش‌های پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی*. شماره ۹۶۰۰۶.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

محرابی، لیلا (۱۳۹۸). «آشنایی با اصول حاکمیت شرکتی بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف». *فصلنامه راهبرد توسعه*. دوره ۱۵. شماره ۵۹.

مسعودی، علیرضا (۱۳۸۷). *حقوق بانکی*. تهران: انتشارات پیشبرد.

مشایخی، بیتا (۱۳۸۷). «شفافیت، اطلاعات حسابداری مالی و نظام راهبری شرکتی». *مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار*.

موسویان، سید عباس (۱۳۸۳). «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۴. شماره ۱۵.

ندری، کامران؛ وهاب قلیچ و حسین میسمی (۱۳۹۲). «نقش نظام بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحران‌های مالی». *دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران*. دوره ۱۰. شماره ۱۹. صص ۴۰-۹.

نظرپور، محمدنقی و فرشته ملاکریمی (۱۳۹۷). *کاربرد قواعد فقهی در نمونه‌ای از قراردادهای بانکی*. تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۸). *قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Al Manaseer, Moousa F. & Riyad Mahmod Al- Dahiyat (2012). "the Impact of Corporate Governance on the Performance of Jordanian Banks". *European Journal of Scientific Research*, Vol. 67(3).pp. 349-359.

Andres, Pablo de and Eleuterio Vallelado (2008). *Corporate Governance in Banking: The role of the board of directors*, journal of banking and finance, No. 32, pp. 2570-2580.

Banks, Erik (2004). *Corporate Governance, Financial Responsibility, Controls and Ethics*, first published. New York: PALGRAVE MACMILLAN.

Basel Committee on Banking Supervision (Basel: BCBS) (1999). *Enhancing Corporate Governance for Banking Organizations*, Sep.

Bushman, R.M and Smith, A.J, (2003), Transparency, Financial accounting information, and Corporate Governance, *Economic policy Review*, April, PP: 65-79.

Chapra, M. Umer & Ahmed, Habib (2002). *Corporate Governance in Islamic Financial Institutions*, Islamic Development Bank, King Fahad National Cataloging-in-Publication Data.

Ermina, Papanikolaou & Patsi Maria (2010). *Corporate Governance and Bank Performance*, International Hellenic University.

Griffin, Dale, ET. al., (2013). *National Culture, Corporate Governance Systems and Firm Corporate Governance Practices.* Available at: northernfinance.org,

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

La Porta, R., F. Lopez-de-Salinas, A. Shleifer & R.W. Vinshy (1999). *Investor Protection: Origins, Consequences, Reform*, Harvard University, manuscript (cited by Dyck, 2000).

Masudul Alam Ch. and Mohammad Z. H. (2006). *Corporate Governance in Islamic Perspective*, emerald insight, vol. 6(2).

Organisation for Economic Co-operation and Development (2004). *OECD Principles of Corporate Governance*, Head of Publications Service, OECD Publications Service, pp 17-25.

Sang Woo N. & Chee Soon Lum (2006), *Corporate Governance of Banks in Asia: A Study of Indonesia, Republic of Korea, Malaysia and Thailand*, Asia Development Bank Institute.

Solomon Jill (2010), *Corporate Governance and Accountability*, 3rd Edition, John Wiley & Sons Ltd Publication, UK.

Walker Review (2009). *A Review of Corporate Governance in UK Banks and other Financial Industry Entities*, the Walker Review Secretariat, London. 16 Jul 2009.

Zingales, L. (1997). *Corporate Governance*, the New Palgrave Dictionary of Economics and the Law.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.171]